

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی

اصغر افتخاری^۱

علی کمالی^{۲*}

۱- دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

پژوهش پیش‌رو با تأکید بر آیات شریفه قرآن کریم سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: ساخت‌های سازنده نظریه قدرت نرم در گفتمان اسلامی کدامند؟ در این راستا نویسندگان تلاش دارند تا ساخت‌های «قدرت نرم» در اسلام را تحلیل و در نهایت اصول حاکم بر نظریه‌های اسلامی قدرت نرم را در قیاس با رویکرد سکولار ارائه نمایند. دلیل این امر آن است که: نظریه «قدرت نرم سکولار» دارای نقایص و تعارض‌هایی با آموزه‌های دین مبین اسلام است و بهره‌گیری از آن منوط به اصلاح و بازتولید قدرت نرم در چارچوب گفتمان اسلامی، می‌باشد. در این خصوص نویسندگان ابتدا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، شرحی انتقادی از «قدرت نرم» در گفتمان سکولار غربی ارائه داده‌اند و سپس با استفاده از روش تفسیر موضوعی قرآن کریم، ساخت‌های این مفهوم در گفتمان اسلامی را استنباط و با اصول رویکرد سکولار مقایسه نموده‌اند. به عبارت دیگر، منظومه مفهومی و نظری قدرت نرم متناسب با اصول گفتمان اسلامی شناسایی و سازماندهی گشته است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که انگاره «قدرت نرم» در گفتمان غربی تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد؛ حال آن‌که در گفتمان قرآنی این نظریه از چهار ساخت برخوردار بوده و در آن علاوه بر منابع قدرت، به مدیریت، استحکام و خاستگاه قدرت نیز توجه شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، قرآن کریم، قدرت، قدرت سخت، قدرت نرم، سکولاریسم.

اگر چه نظریه «قدرت نرم» در سال‌های اخیر مورد توجه بسیار بوده، اما از حیث کاربردی نمی‌توان آن را موضوعی کاملاً جدید به حساب آورد. شواهد فراوانی وجود دارد که سیاست‌مداران در طول تاریخ به منظور پیشبرد اهداف خود به گونه‌های متفاوتی از قدرت نرم متوسل شده‌اند. در متون کلاسیک منظور از «قدرت»، بیشتر به قدرت نظامی و اقتصادی اطلاق می‌شود اما در چند دهه اخیر تعریف دیگری از قدرت ارائه شده که با واژه «قدرت نرم» از آن یاد می‌شود. محققان پژوهش‌های بسیاری در این زمینه عرضه نموده‌اند که می‌توان این پژوهش‌ها را در دو رهیافت اصلی (بومی و غیربومی) طبقه‌بندی نمود.

در رهیافت غیربومی اندیشمندان غربی به ساحت‌های نظامی، اقتصادی و یا سیاسی مولد قدرت بسیار حساس بوده‌اند. این نقیصه به تدریج - و در مواجهه با واقعیت‌های بیرونی - نقد و اصلاح می‌شود، تا آنجا که در کنار منابع سخت مولد قدرت، شاهد اهتمام اندیشه‌گران غربی به منابع نرم‌افزاری قدرت - نظیر استدلال، اقتناع، جذابیت - می‌باشیم که به تعبیر جوزف نای^۱ بر شالوده «علاق» قرار دارد (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). اگرچه در رهیافت غربی نوین به منابع قدرت نرم توجه شده، لیکن این منابع از منظری تک‌بعدی و عموماً ناظر بر ساحت مادی انسان است. لذا این آثار میان قدرت و اخلاق (ارزشی) تفکیک قائل شده و از درک عمده منابع معرفتی و ارزشی در تولید قدرت نرم عاجزند. به عبارت دیگر این رویکرد در پی تولید جذابیت به هر روش ممکن است (نک. نای، ۱۳۸۲؛ نای، ۱۳۸۷؛ نای، ۱۳۸۹) و همین موضوع اصالت و پایداری منابع تولید قدرت نرم را مخدوش می‌نماید. همین نقیصه در کاربرد بین‌المللی قدرت نرم نیز دیده می‌شود. ژان میلسن^۲ نظریه «قدرت نرم» نای را در عرصه روابط بین‌الملل با عنوان «دیپلماسی عمومی نوین»^۳ مطرح نموده است (نک. میلسن، ۱۳۸۸). قواعدی که میلسن از آن بهره می‌گیرد همان قواعد سکولار و تک‌بعدی است، لذا به اقتضای شرایط آنارشیکی عرصه بین‌الملل، تفکیک قدرت و اخلاق در آن ظهور کامل دارد.

در رهیافت بومی با دو طیف از آثار مواجه هستیم. نخست آثاری که در آن‌ها سعی بر کاربست بومی نظریه موجود است. به این معنا که تلاش این نویسندگان آن است که از این نظریه برای تحلیل میزان قدرت کشورهای غیرغربی استفاده نمایند. لذا دغدغه ایشان آسیب‌شناسی نظریه قدرت نرم غربی و ارائه نظریه‌ای بدیل برای این مفهوم نیست؛ بلکه صرفاً به دنبال ارائه راهی جهت کاربست مناسب آن در جامعه ایران هستند (نک.

هرسیچ و تويسرکاني، ۱۳۸۸؛ پيشگاهي فرد و ديگران، ۱۳۹۰). در طيف دوم اگرچه شاهد آسيب شناسي نظريه قدرت نرم سکولار هستيم، ليکن نظريه‌اي جديد که بر مباني اسلامي استوار باشد، مطرح نشده است (نک. بصيرتي و جمشيديان، ۱۳۹۰؛ پوراحمدی و جعفری پناه، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر با عنایت به نقد مباني مفهوم قدرت نرم در گفتمان سکولار، به واکاوی ساحات اين مفهوم در دیدگاه اسلامي پرداخته شده و طرح اصول نظريه‌اي اسلامي از قدرت نرم دنبال شده است.

۱. چارچوب مفهومي

۱-۱. قدرت

اگر قدرت را به معنای «اعمال نفوذ» یک بازیگر بر دیگران به منظور تغيير رفتار او در جهت مطلوب بدانيم (نک. لوکس، ۱۳۷۲) آن‌گاه مشخص می‌شود که قدرت دلالت بر «توانایی» دارد؛ توانایی که اگرچه در منبع مولد آن اختلاف نظر وجود دارد، اما در نهایت تحولي عيني^۴ در عرصه خارجي پديد می‌آورد (مکفرسون، ۱۳۸۰: ۹).

۱-۲. قدرت نرم

«ای.اچ.کار» نویسنده واقع‌گرای انگلیسی در سال ۱۹۳۹ پس از جنگ جهانی دوم به مفهوم - و نه لفظ - «قدرت نرم» اشاره دارد. «کار» قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف نموده است (Carr, ۱۹۶۴: ۱۰۸) که بخش سوم به مدلول قدرت نرم بسیار نزدیک است. اما قدرت نرم به مثابه یک نظریه منسجم برای اولین بار توسط جوزف نای (Joseph S. Nye) مطرح شد. از این مفهوم تعاریف متعددی وجود دارد که از مجموع تعاریف مطرح شده، چنین برمی‌آید که: قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی می‌باشد (نک. نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

۱-۳. ساحات

ساحت به فضایی اطلاق می‌گردد که متشکل از مؤلفه‌های ذهنی و عینی و تعامل میان آن‌ها می‌باشد. در واقع ساحت زاینده روابط میان مؤلفه‌های مختلف و متعدد محیطی است که به صورت نرم‌افزارانه و یا سخت‌افزارانه در شکل‌گیری یک پدیده مؤثرند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۴۰۱).

۲. چارچوب نظری

در فضای پست‌مدرن مفهوم «قدرت» بازتعریف شده است. در این بازتعریف اولاً: نگاه به قدرت از حالت سخت‌افزاری تبدیل به یک نگاه هنجاری و فرهنگی شده (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۶)؛ ثانیاً منابع قدرت منحصر به ابزارهای حکومتی نبوده و بحث اصلی تکثر منابع قدرت می‌باشد. اساس قدرت نرم در ارزش‌ها، فرهنگ و نحوه رفتار با هر کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی و در ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور نهاده شده است (کلاهیچیان، ۱۳۸۷: ۱۴۵). بنابراین کشورهایی که از هنجارهای جذابی برخوردارند و پشتوانه غنی فرهنگی و ارزشی دارند، به سهولت می‌توانند به لحاظ نرم به یک ابرقدرت تبدیل گردند.

دستیابی به تصویری از مفهوم قدرت نرم همچون مفاهیم دیگر بنایی است که شالوده‌اش بر تحلیل از ماهیت طبیعت انسان (انسان‌شناسی)، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فرجام‌شناسی استوار است. نگاه هر یک از گفتمان‌های شریعت‌مدار (اسلامی) و سکولار (غربی) به مقوله‌های فوق متفاوت و حتی در موارد بسیاری متعارض می‌باشد. گفتمان سکولار غربی به هر یک از مقوله‌های چهارگانه از دریچه مادی‌گرایی^۵ می‌نگرد و لذا قائل به جداانگاری دین از حیات اجتماعی است. در واقع گفتمان مذکور مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که در چارچوب آموزه‌های مادی با یکدیگر کلاف شده‌اند و بدین نحو به اندیشه، رفتار و اهداف پیروان خود معنا می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴). در این گفتمان به ماهیت و خاستگاه قدرت نگاهی تک‌ساحتی می‌شود و حتی به مباحث قدرت نرم نیز از دریچه مادی‌نگریسته می‌شود. این امر موجب شده تا نیل به هدف به هر نحو در دستور کار قرار گیرد و لذا حوزه اخلاق از حوزه قدرت تفکیک گردد. حال آنکه گفتمان شریعت‌مدار بر شالوده «شرعی‌سازی حیات انسانی» قرار دارد و در نتیجه تفکیک دین و حوزه اجتماعی اصولاً معنا ندارد. بر این اساس می‌توان دو گفتمان اصلی را در این قسمت شناسایی نمود:

۲-۱. گفتمان سکولار «قدرت نرم»

قدرت نرم سکولار با هدف تأثیرگذاری بر روی تصویر ذهنی مخاطب شکل گرفته و طیف متنوعی از رهیافت‌ها را شامل می‌شود:

رهیافت اول: قدرت نرم به مثابه جذابیت

جوزف نای در تعریف خود از قدرت نرم بیان می‌دارد که «قدرت نرم عبارت است از

توانایی کسب مطلوب، از طریق جاذبه و نه از طریق اجبار و تطمیع» (نای، ۱۳۸۷: ۲۴). در جای دیگر این قدرت را صراحتاً برابر با مفهوم جذابیت قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که «قدرت نرم قدرت جذابیت است و منابع آن دارایی‌هایی است که چنین جذابیت‌هایی تولید می‌نماید» (نای، ۱۳۸۷: ۴۴). او در دیگر آثار خود به قدرت «متقاعد نمودن» (نای، ۱۳۸۷: ۴۶) نیز اشاره می‌کند و در نهایت از میان اجبار، ایجاد انگیزه و جذب نمودن، سومی را در تطابق با نظریه قدرت نرم خود معرفی می‌نماید (نای، ۱۳۸۹: ۲۹). در واقع قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت است بر نوعی از ذهنیت استوار است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۷) و لذا از تنوع بازیگر برخوردار بوده (هوکینگ، ۱۳۸۷: ۹۷) و کنترل و میزان تأثیر آن قابل ارزیابی دقیق نیست (واتانامه و مکانل، ۱۳۸۹: ۴۸). در این رهیافت هر بازیگر به جای آنکه از طریق تطمیع و یا تهدید دیگران را با خود همراه نماید، از طریق هنجارسازی و ایجاد جذابیت به دنبال جلب همکاری دیگران است. کاری که عمده رسانه‌های غربی صورت می‌دهند، تسلط بر افکار و اذهان عمومی جهانی است و البته چه بسا تأثیر آن نسبت به حملات نظامی بیشتر هم باشد. به طور مثال ایالات متحده در دو جنگ عراق - به‌ویژه در سال ۲۰۰۳ میلادی - به شکل مؤثری از این قدرت نرم بهره برد و با ارائه تصویری غیرواقعی از عراق، عملیات اشغال عراق را در نظر افکار عمومی جهان به عملیات «آزادسازی» تعبیر نمود.^۶

رهیافت دوم: قدرت نرم به مثابه اثرگذاری غیرتهدیدآمیز

روان‌شناسان و به‌ویژه روان‌شناسان اجتماعی نشان داده‌اند که اثرگذاری بر دیگران از روش‌هایی هم‌چون به کارگیری مهارت‌های ارتباطی به شکل مؤثرتری رخ می‌دهد. رینولد (Reinold) در کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی»^۷ منابع قدرت نرم را از آنچه نای معرفی نموده، گسترده‌تر دانسته است. بنا بر تعریف او، قدرت نرم را می‌توان توانایی تأثیر بر دیگران از هر راهی به غیر از تهدید دانست (Reinold, ۲۰۰۳: ۱۳). با این تعریف قدرت نرم معنایی عام‌تر می‌یابد و تنها محدود به «جذابیت» نمی‌شود. از این منظر روش‌هایی چون فریب و نیرنگ و یا اظهار عجز و ناتوانی برای جلب ترحم و از این قبیل، وارد حوزه مطالعاتی قدرت نرم می‌شود.

رهیافت سوم: قدرت نرم به مثابه کارآیی

در دو رهیافت پیشین به ارتباط با مخاطب و ایجاد رضایت در وی به منظور همکاری اهتمام ویژه‌ای شده؛ حال آنکه در رهیافت حاضر بازیگر به دنبال راهی است تا کارایی

خویش را بالا ببرد. در این رهیافت قدرت نرم از طریق اثبات توانایی برای انجام تصمیمات به شکل مناسب و در زمان مطلوب، پدید می آید. «قدرت نرم» در این رهیافت به میزان زیادی با «قدرت سخت» همراه است؛ چرا که فرض بر این است که در صورت تحقق اهداف، دیگران ناخودآگاه به شما تمایل یافته و مرجعیت شما را گردن می نهند. در مجموع می توان چنین اظهار داشت که قدرت سخت و قدرت نرم در این گفتمان دو بخش از یک پدیده واحد ارزیابی می شوند که از آن می توان به ساحت مادی قدرت (که مبتنی بر زور و اجبار است) یاد نمود (نگاه کنید به تصویر شماره ۱).

تصویر شماره ۱:

نسبت قدرت سخت و نرم در ساحت مادی



چنان که ملاحظه می شود، اقتضای سکولاریزم شکل گیری منطق بازی با حاصل جمع صفر میان دو قدرت نرم و سخت است. به این صورت که کاهش حوزه قدرت سخت به معنای افزایش مجال قدرت نرم و بالعکس است.

۲-۲. نقد اسلامی گفتمان سکولار «قدرت نرم»

با توجه به اصول گفتمانی سکولاریزم در حوزه هایی چون انسان شناسی، هستی شناسی، روش شناسی و معرفت شناسی می توان چنین اظهار داشت که ارکان نظریه قدرت نرم بر مبنای زیر استوار بوده و از این حیث محل نقد است:

الف. محوریت غریزه

در نگاه غربی منابع قدرت نرم مبتنی بر غریزه انسان می باشد، حال آنکه در دیدگاه اسلامی قدرت و اعمال آن بر اصل فطرت انسانی (که دارای ماهیتی الهی است) فهم می گردد. در تقسیم بندی کلی نیازهای انسان به دو دسته تقسیم می گردد: نیازهای غریزی و نیازهای فطری. نیازهای غریزی انسان به آن دسته از نیازهای وی گفته می شود که با

جسم انسان سروکار داشته و میان انسان و حیوان مشترک است. نیازهای فطری به آن دسته از نیازهای انسان اطلاق می‌شود که با روح متعالی هستی سروکار دارد. نیازهای فطری انسان شامل اموری همچون نیاز به پرستش، گرایش به خیر و فضیلت، زیبایی دوستی، گرایش به حقیقت و غیره می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۹ - ۶۰). متفکران غربی در این ارتباط مرتکب دو خطای راهبردی شده‌اند؛ بدین صورت که: با مبنا قرار دادن بعد مادی انسان و نیازهای غریزی وی، از فطرت الهی، انسانی و نیازهای معنوی آن غافل شده‌اند. خداوند متعال در خصوص این دو اشتباه راهبردی تصریح دارد:

یک. مبنا قرار دادن مادیات که به حاشیه رانده شدن فطرت را نتیجه می‌دهد:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (الروم/۳۰)

«پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت (فطرت) الهی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند»

دو. غفلت که به التزام کامل تفکر غربی به مادیات منجر شده است:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (الروم/۳۰)

«[دنیاگرایان] از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند.»

ب. عدم اصالت اخلاق

یکی از مبانی قدرت در منظر غربی جدایی اخلاق و سیاست است. در این نگاه اخلاق اصالت ندارد- اگرچه به آن توجه شده- و از اخلاق حرفه‌ای بحث می‌شود. آنچه در این گفتمان اهمیت دارد، تأمین منافع است. البته غربیان بدین موضوع پی برده‌اند که در صورت ضعف اخلاق، جامعه دچار آنومی می‌گردد و لذا قرارداد اجتماعی و قانون را به مثابه ابزاری کارآمد مطرح نموده‌اند که جای اخلاق و معنویت متعالی را پرکند. این درحالی است که درگفتمان اسلامی هم هدف و هم ابزار تحقق آن، باید اخلاقی باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۵ و ۱۲۴).

۳. گفتمان اسلامی «قدرت نرم»

در گفتمان اسلامی، قدرت به جای اینکه با یک وصف سخت و نرم از هم متمایز شوند؛ با توجه به دستگاه پیچیده‌تری تحلیل می‌شود. دستگاه معرفتی‌ای که حداقل سه ساحت راهبردی را در قدرت شناسی به شرح زیر، لحاظ می‌نماید:

ساحت اول: استحکام قدرت

استحکام قدرت اصطلاحی است که دلالت بر نوع ساخت‌بندی مؤلفه‌های قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱) به گونه‌ای که توانمندی را افزایش داده و به برتری قدرت منجر می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷ تا ۵). در بحث از استحکام می‌توان به آیه شریفه زیر استناد نمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه صف (۶۱). آیه شریفه ۴)

«به تحقیق خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سُرْب‌اند، پیکار می‌کنند.»

به هر بنای محکمی مرصوص می‌گویند و در اینجا منظور این است که مجاهدان راه حق در برابر دشمن یک دل و یک جان و مستحکم و استوار بایستند، گویی همه یک واحد به هم پیوسته‌اند که هیچ شکافی در میان آن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۴/۲۴). در مقابل پروردگار متعال اقدام کسانی که به جزء خداوند یگانه ولی دیگری را برگزیده‌اند، چیزی شبیه به اقدام عنکبوت در خانه سازی می‌داند و تأکید می‌نماید که این خانه مرصوص نبوده و سست‌ترین خانه‌هاست:

«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ» (قرآن کریم، سوره مبارکه عنکبوت (۲۹). آیه شریفه ۴۱).

«مثال کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت - اگر می‌دانستند - سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.»

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر امکان غلبه عدّه و عُده ناچیز بر گروه بسیار را مطرح می‌نماید و آن را ناشی از استحکام قدرت به واسطه ایمان می‌داند:

«...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه بقره (۲). آیه شریفه ۲۴۹).

«...بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند.»

مهم‌ترین وجه تمایز ایده استحکام قدرت در گفتمان اسلامی نسبت به گفتمان سکولار این است که در اسلام راهبرد اصلی استحکام بخشی مبتنی بر تربیت است که در آن هنجارهای اسلامی نهادینه شده و از طریق آن رفتار افراد اصلاح می‌گردد. حال آنکه در نگاه سکولار الگوی تبلیغاتی و رسانه‌ای مطرح است و از طریق تصویرسازی و دستکاری‌های

روانشناسی سعی می‌شود تا افراد منسجم و هم‌سو نشان داده شوند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷).

ساحت دوم: مدیریت قدرت

مدیریت قدرت اصطلاحی به منظور توصیف نحوه به‌کارگیری قدرت از سوی عامل انسانی است؛ به گونه‌ای که با کمترین هزینه ممکن بیشترین ضریب تأثیر را داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷ تا ۵). گاهی مواهب الهی موجب افزایش ضریب نفوذ و قدرت رهبری و مدیریت می‌گردد که برای نمونه به آیه زیر اشاره می‌نماییم که در آن خداوند به موهبت «نیک سیرتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)» اشاره می‌نماید که موجب الفت قلوب مؤمنان شده است:

«وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۶۰). آیه شریفه ۶۳).

«و (خداوند) میان دلهای آنان (مؤمنان) الفت داد، اگر تو همه‌ی آنچه را در زمین است هزینه می‌کردی، نمی‌توانستی میان قلوبشان محبت و الفت پدید آوری، ولی خداوند میان آنان پیوند داد، چرا که او شکست‌ناپذیر و حکیم است»

قرآن کریم برتری حضرت داوود علیه السلام را نیز چنین توصیف می‌نماید:

«وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء (۲۱). آیه شریفه ۸۰).

«و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزارید؟»

و در مقام توضیح مواهب الهی نزد حضرت سلیمان (علیه السلام) چنین می‌فرماید:

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء (۲۱). آیه شریفه ۸۱).

«و برای سلیمان، تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم جریان می‌یافت و ما به هر چیزی دانا بودیم»

براین اساس مشخص می‌شود که بین ایمان و فعال شدن منابع نرم قدرت به گونه‌ای که مدیریت قدرت سخت را حتی تحت تأثیر قرار می‌دهد، نوعی رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر قدرت نرم در قالب مدیریت رفتار تجلی می‌یابد.

ساحت سوم: خاستگاه قدرت

در نظریات سیاسی از خاستگاه قدرت تعبیر به «ایده قدرت» می‌گردد و دلالت بر چیستی

و چرایی اثرگذاری آن دارد. «ایده قدرت» در مقابل «صورت قدرت» است که حاکی از ظواهر بیرونی قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱). فلاسفه اسلامی در بحث از علت، به گونه‌های متفاوتی از علل اشاره دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها علت تامه و ناقصه است. تفاوت میان علت تامه و ناقصه این است که علت ناقصه برای تحقق معلول لازم است ولی کافی نیست، ولی علت تامه برای تحقق معلول هم لازم و هم کافی می‌باشد و در صورت تحقق علت تامه معلول پدید می‌آید خواه علت ناقصه تحقق یابد و خواه نیابد. برای مثال در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، آتش علت ناقصه برای سوزاندن و خداوند علت تامه است. لذا زمانی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) توسط نمرودیان به درون آتش افتاد، آتش به فرمان خداوند سرد و سلامت گشت:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء (۲۱). آیه شریفه (۶۹).

«گفتیم، ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش»
و یا در داستان ذبح حضرت اسماعیل (علیه السلام)، چاقو به اذن پروردگار اثر خود که همان برندگی باشد را از دست می‌دهد. هم‌چنین در آیه شریفه ۲۴۹ سوره بقره، پروردگار متعال با صراحت به وجود علت تامه و اراده‌ی خود در آثار افعال و به ویژه قدرت با تخصیص «بِإِذْنِ اللَّهِ» اشاره می‌نماید:

«...كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه بقره (۲). آیه شریفه (۲۴۹).

«...بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند.»
از این آیات شریفه برداشت می‌شود که فراوانی عده و عده دشمن در برابر اراده خداوند چیزی نیست (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۹۷/۱) و تجهیزات پیشرفته و تعداد سربازان زیاد علت ناقصه برای پیروزی در نبرد است و بعید نیست اراده پروردگار که علت تامه است صورت نپذیرد که در این صورت معلول که پیروزی است محقق نمی‌شود. بی‌تردید اراده انسان‌ها نیز در طول اراده پروردگار و علت ناقصه افعالشان است و در صورت عدم تحقق علت تامه، افعالشان صورت نمی‌پذیرد و حتی در جایی که مسلمانان از نیروی نظامی استفاده می‌کنند، باز هم خداوند آن را به خود نسبت می‌دهد:

«فَلَمْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۸). آیه شریفه (۱۷).

«شما (مؤمنان) آنان را نمی‌کشیدید، خدا بود که آن‌ها را می‌کشت و آن‌گاه که تیر می‌انداختی

تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت...»

پس به طور کلی امدادهای خاص الهی به مثابه منبع اصیل و کامل قدرت نرم، در صورت وجود «ایمان» و «عمل صالح» به نفع انسان‌ها فعال شده و عمل می نماید و آیه شریفه ۱۷ سوره اسراء بر این حقیقت اشاره دارد:

«كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءَ وَهَؤُلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه اسراء (۱۷). آیه شریفه ۲۰).

«هر دو [دسته]: اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.»

ساحت چهارم: منابع قدرت

در قرآن کریم مسلمانان هم به تهیه منابع سخت قدرت و هم به تهیه منابع نرم آن امر شده اند و برای هر دو مورد می توان شواهد بسیاری یافت. در زمینه منابع سخت و ترغیب مسلمانان به منظور پرداختن به آن می توان به آیه شریفه ۶۰ سوره انفال اشاره نمود:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۸). آیه شریفه ۶۰).

«هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان و مردم دیگری غیر از آنان را که شما آن‌ها را نمی شناسید و خدا آن‌ها را می شناسد با آن بترسانید...»

در آیه مطرح شده «قوه» تنها به معنای قدرت سخت و ادوات جنگی نیست بلکه اعم از منابع سخت و نرم است و به طور کلی هر چیزی که موجب می شود مسلمانان نسبت به کفار برتری یابند مشمول آن می گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۲/۲).

در زمینه ترغیب مسلمانان به منظور اهتمام به منابع نرم می توان به آیه زیر اشاره نمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۸). آیه شریفه ۴۵).

«ای کسانی که ایمان آورده اید چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید»

آیه مذکور بر این نکته اشاره دارد که مؤمنین با یاد و ذکر خدا در جبهه‌ها و هنگام مواجهه با دشمنان، آرامش روحی و روانی کسب کرده و با اطمینان از این که مورد حمایت خداوند هستند، با نیرویی مضاعف و امیدی فراوان به پیروزی، با دشمن مقابله می کنند و یاد خدا همچنین باعث شجاعت ایشان می گردد (قوام، ۱۳۸۴: ۲۰۹). در مجموع می توان

مهم‌ترین منابع قدرت را در گفتمان اسلامی به شرح زیر معرفی نمود:

الف. منابع اعتقادی

مهم‌ترین و مؤثرترین منبع قدرت نرم از منظر قرآن کریم منابع اعتقادی است که شرط تحقق آن ایمان به خداوند متعال و عمل صالح می‌باشد. منابع اعتقادی قدرت عبارتند از:

اول. دعا

مفهوم واقعی دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن هم از کسی که قدرتش بی‌پایان و هر امری برای او آسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۴۲/۱). کارکردهای دعا در حد بحث حاضر عبارتند از:

یک. دعا و ایجاد جذابیت: دعا موجب محبوبیت انسان می‌گردد. در واقع قلوب انسان‌ها به دست پروردگار است و او می‌تواند دل‌های آنان را شیفته و مجذوب هر کس که خواهد گرداند؛ چنان‌که در آیه زیر حضرت ابراهیم (علیه السلام) چنین دعا می‌نماید:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...» (قرآن کریم، سوره مبارکه ابراهیم (۱۴). آیه شریفه ۳۷).

«پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده...»

دو. دعا و تضعیف دشمن. دعا می‌تواند زمینه‌ساز افول و نابودی قدرت دشمن نیز می‌شود؛ چنانچه حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند متعال چنین می‌خواهد:

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه یونس (۱۰) آیه شریفه ۸۸).

«و موسی گفت: پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای. پروردگارا، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند. پروردگارا، اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.»

سه. دعا و توانمندی. دعا عامل بهره‌مندی از برکات و امدادهای الهی است، چنان‌که می‌خوانیم:

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا

وَأَيَّةٌ مِّنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه مائده (۵)، آیه شریفه ۱۱۴).
 «عیسی پسر مریم گفت: بار الهی، پروردگارا، از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی.»

در همین ارتباط می‌توان به دعا جهت افزایش قدرت و سلطه اشاره داشت:
 «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه اسراء (۱۷)، آیه شریفه ۸۰).
 «و بگو: پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده.»

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید که مقصود از عبارت «وَاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» بدان معناست که مرا در تمامی مهماتم یاری رسان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳/۱۷۶).

دوم. ذکر

از دیگر منابع قدرت نرم ذکر و یاد الهی است. در آیه شریفه ۴۵ سوره انفال خداوند به مؤمنان سفارش می‌کند که در میدان جنگ دو کار انجام دهند: اول آنکه پایداری و استقامت داشته باشند و دوم آنکه بسیار ذکر خدا را گویند:
 «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا لَقِيْتُمْ فِتْنَةً فَاَنْبِتُوْا وَاذْكُرُوْا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۸)، آیه شریفه ۴۵).

آنچه که مهم است کارکرد اطمینان بخش ذکر الهی است که منبع بی‌بدیل قدرت به شمار می‌آید:

«... اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ» (قرآن کریم، سوره مبارکه رعد (۱۳)، آیه شریفه ۲۱).

سوم. ایمان

آثار ایمان در مبحث قدرت نرم فراوان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸/۴۹۲). ایمان موجب محبوبیت انسان می‌گردد و عامل جذب وی در قلوب انسان‌ها می‌گردد.^{۱۱} ایمان شرط اصلی بهره‌مندی از امدادهای الهی است. بایستی بدین نکته نیز اتمام داشت که سایر انسان‌ها نیز صرف‌نظر از دین و مسلک‌شان در صورتی که طبق برخی سنن الهی رفتار نمایند، مشمول امدادهای عام الهی می‌گردند^{۱۲} و بالاخره اینکه ایمان موجب افزایش توانمندی و کارآمدی می‌گردد^{۱۳} و از این طرق به تقویت منابع سخت قدرت هم کمک می‌کند.^{۱۱}

چهارم. ولایت

بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال بر تمامی مخلوقات ولایت دارد و ولایت انبیاء و معصومین (علیهم السلام) در طول این ولایت قرار دارد.^{۱۲} مطابق با سنن الهی پیروی از ولایت الهی موجب غلبه بر دشمنان می شود:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه مائده (۵). آیه شریفه ۵۶).

«و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولی خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز ماندند.»

ب. منابع اخلاقی

اخلاق یکی از مقوله های مهم در گفتمان اسلامی است و آیات قرآن کریم بدان اهتمام زیادی ورزیده است. آثار اخلاق در مبحث قدرت نرم فراوان است. اولاً اخلاق نیکو موجب محبوبیت در قلوب مردم می گردد^{۱۳} و ثانیاً عامل بهره مندی از امدادهای الهی است. همان طور که در مبحث خاستگاه قدرت بیان گشت راز بهره مندی از امدادهای خاص الهی ایمان به همراه عمل صالح است که در واقع اخلاق نیکو مشمول عمل صالح می باشد. همان گونه که برخی افعال نیک برای انسان برکاتی دارد، افعال و رفتار بدسیرت و بی اخلاقی ها نیز دارای آثار سوء فراوانی است که از جمله مهم ترین این بی اخلاقی ها دروغ است^{۱۴}.

ج. منابع مادی

منظور از این منابع، امکانات ملموسی است که در هر دوره و زمانه ای مصادیق خاص خود را دارد. پروردگار متعال در قرآن کریم بدین منبع نیز اشاره نموده و به کارگیری درست آن را «المؤلفة قلوبهم» خوانده است که موجب تألیف قلوب و محبوبیت و مجذوبیت بازیگر می شود:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (قرآن کریم. سوره مبارکه توبه (۹). آیه شریفه ۶۰).

«صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم

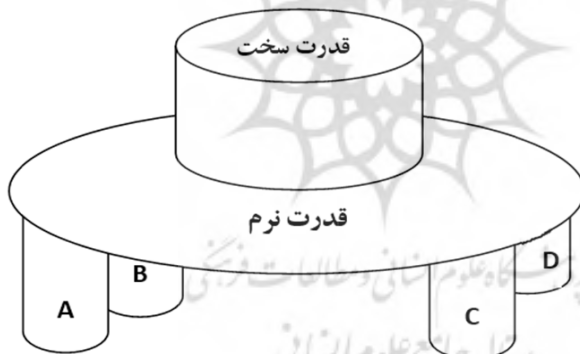
است.»

نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اسلام به حاکم اسلامی اجازه می‌دهد که بخشی از زکات مسلمین را برای ایجاد محبوبیت و جذب دیگران به اسلام و حکومت اسلامی هزینه نماید، چنان‌که اولاً پیامبر اسلام بخشی از زکات را برای تألیف قلوب به برخی از سران قبایل و بزرگان عرب پرداخت نمودند و ثانیاً مقوله «المؤلفة قلوبهم» قابل قید زدن نیست و آیه مذکور به جهت موارد شمول اطلاق دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰) و قابل تقید به زمان هم نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹-۳۱۴).

خلاصه کلام آنکه: در این گفتمان علاوه بر آنکه ماهیت قدرت چه سخت و چه نرم چند ساحتی است و بر چهار ساحت «منابع قدرت»، «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» استوار است. قدرت سخت نیز متکی بر قدرت نرم بوده و بر آن تکیه دارد.^{۱۵}

تصویر شماره ۲:

نسبت قدرت سخت و نرم در گفتمان اسلامی



- A - ساحت منابع قدرت
- B - ساحت استحکام قدرت
- C - ساحت مدیریت قدرت
- D - ساحت خاستگاه قدرت

نتیجه گیری

نظریه قدرت نرم متعارف، شالوده‌ای سکولار و تک‌ساحتی داراست و لذا به‌کارگیری آن در ذیل گفتمان اسلامی متضمن واکاوی ساحت‌های آن در شریعت اسلامی و در نتیجه بازتولید این نظریه می‌باشد. چراکه قدرت نرم در اسلام نظریه‌ای پیچیده است که مشتمل بر چهار ساحت «منابع قدرت»، «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» طبقه‌بندی می‌باشد. ساحت «منابع قدرت نرم» سه دسته «منابع اعتقادی»، «منابع اخلاقی» و «منابع مادی» را دربر گرفته و در مجموع ترکیبی چند بعدی از قدرت نرم را ارائه می‌دهد که در آن قدرت سخت در حکم عرض و قدرت نرم در حکم اصل است. با این تفسیر مشخص می‌شود که قدرت در گفتمان اسلامی اصولاً نرم‌افزارانه است و قدرت سخت قسیم قدرت نرم به شمار نمی‌آید. به همین دلیل است که اگر مبانی قدرت نرم استوار گردد، می‌توان به تأثیرگذاری قدرت سخت امیدوار گشت و در غیر آن، منابع سخت‌افزارانه قدرت تأثیر مطلوب و ارزش توحیدی و انسانی نخواهند داشت.

منابع

- قرآن کریم. (ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۸۸)، رسم الخط عثمان طه، تهران: هلیا)
- آقامهدوی، اصغر؛ نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰) «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکرد قرآنی»، **دو فصلنامه دانش سیاسی**. سال هفتم، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹) «اسلامی نمودن روابط بین الملل؛ رویکردی قرآنی»، **مجموعه مقالات اخلاق و روابط بین الملل**. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «دو چهره قدرت نرم»، **مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی** (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**. سال اول، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، **امنیت اجتماعی شده؛ رویکردی اسلامی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باقری، سیامک (۱۳۸۷)، «بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستماتیک»، **مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت** (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- بصیرتی، محمد کاظم؛ جمشیدیان، هادی (۱۳۹۰)، «مقایسه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم غرب»، **فصلنامه امنیت ملی**. شماره اول، تابستان.
- پوراحمدی، حسین؛ جعفری پناه، مهدی (۱۳۹۱)، «اخلاق به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی»، **مجله علوم سیاسی**. سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار.
- پیشگامی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقی، علی (۱۳۹۰)، «جایگاه

قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*. شماره ۶۱، زمستان.

- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.

- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- قوام، میرعظیم (۱۳۸۴)، *نقش امدادهای الهی و معنویت در تحولات سیاسی*. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، *مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی* (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- لوکس، استیون (۱۳۷۲)، *قدرت*. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *بیست گفتار*. تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *سیری در سیره نبوی*. تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *فلسفه اخلاق*. تهران: انتشارات صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مکفرسون، سی‌بی (۱۳۸۰)، «هابز: تحلیل‌گر قدرت و صلح»، در: *توماس هابز، لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

- میلسن، ژان (۱۳۸۸)، «دیپلماسی عمومی نوین؛ از تئوری تا عمل»، در: *دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین‌الملل*. ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- واتانابه، یاسوشی و مک کانل، دیوید ال. (۱۳۸۹)، *فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده*. ترجمه محمد روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- نای، جوزف. اس (۱۳۸۲)، *کاربرد قدرت نرم*. ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.

- نای، جوزف. اس (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- نای، جوزف. اس (۱۳۸۹)، «درک قدرت نرم»، *مجموعه مقالات آموزش عالی، فرهنگ*

عامه و قدرت نرم (مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده). ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- هرسیچ، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه دانش سیاسی*. سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۶۹-۲۰۳.

- هوکینگ، برایان (۱۳۸۸)، «بازاندیشی در دیپلماسی عمومی نوین»، در: ژان میلسن و همکاران، *دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل*. ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- Carr, E.H. (1964), *The Twenty Years Crisis, 1919-1939*, An Introduction to the Study of International Relations, New York, Harper & Row.

- <https://www.govtrack.us/congress/bills/105/hr4655>.

- Reinold, T. (2003), *Soft Power in Foreign Policy*, Berlin: VDM Verlag.

